



گفت و گوی
روزنامه صبا با
محمد شکیبانی
کارگردان مستند
«باید برخاست»

روایتی مشاهده‌گر از مردمی که تاریخ را رقم زدند

دلیل انتخاب این شیوه آن است که مستند مشاهده‌گر تلاش می‌کند واقعیت‌ها و اتفاقات یک رویداد را تا حد امکان همان گونه که رخ می‌دهد ثبت کند و در بازنمایی صحنه‌ها، تدوین و موسیقی کمترین میزان دخالت را داشته باشد.

ما معتقدیم چنین اثری می‌تواند سال‌ها بعد به سندی برای شناخت حال و هوای این روزگار تبدیل شود؛ اینکه مردم چگونه فکر می‌کردند و برای رهبر شهید خود چه مراسمی برگزار کردند. انتخاب ژانر مشاهده‌گر نیز با همین هدف انجام شده است.

با توجه به تأکید شما بر ماندگاری اثر برای آیندگان، آیا به حضور این مستند در جشنواره‌های خارجی یا عرضه بین‌المللی آن هم فکر کرده‌اید؟

وقتی این مستند ساخته شود، آن را ارزیابی می‌کنیم و خواهیم دید در چه جایگاهی قرار می‌گیرد. اینکه آیا بتواند مسیر جشنواره‌ای، با همه محدودیت‌های آن، را طی کند یا خیر، موضوعی است که پس از آماده شدن اثر مشخص خواهد شد.

پیشنهاد تولید این مستند از سوی شما به مرکز گسترش ارائه شد یا مرکز گسترش این پیشنهاد را مطرح کرد؟

در ابتدا این ایده را به پرس تی‌وی پیشنهاد داده بودم، اما نه با این گستردگی و بازه زمانی؛ بلکه با هدف تولید اثری که بتواند برای مخاطب خارجی نیز روایتی قابل ارائه داشته باشد و هم از نظر تاریخی برای آیندگان و هم از منظر فرهنگی و رسانه‌ای برای مخاطبان دیگر کشورها قابل استفاده باشد.

در ادامه، پیشنهاد مرکز گسترش مطرح شد. من این پروژه را صرفاً یک کار شغلی ندیدم و حتی پیشنهاد کردم هر مجموعه یا فردی که توانایی و صلاحیت بیشتری دارد، مسئولیت آن را برعهده بگیرد.

در حال حاضر من به سهم خود مشغول ثبت تصاویر هستم و تلاش می‌کنم زمینه‌ای فراهم شود تا این اتفاق به شکلی گسترده‌تر و با مشارکت همه مستندسازانی که در حال ثبت این رویداد هستند، شکل بگیرد و اثری جامع‌تر تولید و عرضه شود.

تجربه شما از حضور و ضبط تصاویر در این مراسم چگونه بود؟
من تجربه حضور در مراسم ارتحال امام را حل را هم داشتم؛ زمانی که نوجوانی هفده‌ساله بودم. اما این بار شرایط متفاوتی داشت. همه این اتفاقات در فاصله دو سه روز رخ داد و ما در دل یک وضعیت خاص قرار گرفتیم؛ چراکه جنگ آغاز شده بود و چند ماه بعد مراسم تشییع برگزار شد، در حالی که همچنان سایه جنگ بر فضای جامعه وجود داشت.

حضور مردم در این مراسم و نوع مواجهه آن‌ها با این اتفاق، تجربه‌ای متفاوت و تأثیرگذار بود. چیزی که بیش از همه برایم جلب توجه می‌کرد، نگاه مسئولان و نیروهای نظامی به این مراسم بود؛ ترکیبی از پاسداشت یک شخصیت و بزرگداشت آرمان‌هایی که کشور امروز خود را وامدار آن می‌داند.

آیا در کنار تصاویر، از مصاحبه و گفت‌وگو نیز استفاده خواهید کرد؟
در کنار تصاویری که دوربین ثبت می‌کند، صداهای بسیاری وجود دارد که بخشی از جهان مشاهده‌گر مستند را شکل می‌دهند؛ از صحبت‌های مردم گرفته تا حرف‌هایی که ممکن است مقابل دوربین درباره دلیل حضورشان و نگاهشان به این اتفاق بیان کنند.

این صداها بخشی از واقعیت این رویداد هستند و می‌توانند در شکل‌گیری روایت اثر نقش داشته باشند، هرچند الزاماً به معنای استفاده مستقیم از مصاحبه نیست. ممکن است تنها از صداها بهره ببریم تا نشان دهیم دوربین و میکروفن ما تلاش کرده‌اند بدون دخالت و جهت‌دهی، صدای واقعی مردم و فضای حاکم بر این واقعه را ثبت کنند.

در روزهایی که ده‌ها گروه مستندساز در کنار مراسم تشییع رهبر شهید در حال ثبت لحظه‌به‌لحظه رویدادها بودند، محمد شکیبانی از میان این جمع، مسیر متفاوتی را برای روایت خود برگزیده است؛ ژانر «مشاهده‌گر». او در گفت‌وگو با روزنامه صبا از دلایل انتخاب این نوع نگاه، تفاوت آن با آثار سوژه محور، دشواری‌های ثبت بی‌واسطه یک رویداد تاریخی و چشم‌اندازش برای رسیدن این تصاویر به نسل‌های آینده گفت.

پگاه زارعی
گفت‌وگو



مستند نیز گاهی همین رویکرد باعث می‌شود اتفاقات پیرامونی، تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند.

دسته دوم، آثاری هستند که مستقیماً به خود مراسم می‌پردازند و تلاش می‌کنند این رویداد را روایت کنند؛ برخی با استفاده از متن و نریشن، برخی با تکیه بر سخنان و روایت‌های انتخاب‌شده و برخی نیز با شیوه‌های دیگر.

مستند «باید برخاست» در گروه آثاری قرار می‌گیرد که نگاه مشاهده‌گرانه و با فاصله‌ای نسبت به رویداد دارند. دلیل انتخاب این شیوه این بود که احساس کردم بسیاری از آثار موجود، بیشتر در فضای عاطفی و تبلیغاتی منتشر می‌شوند؛ اما یک اثر مشاهده‌گر این ظرفیت را دارد که سال‌ها و حتی دهه‌های بعد، تصویری دقیق‌تر از حال و هوای مردم و جامعه در اختیار مخاطبانی قرار دهد که خود شاهد این اتفاق نبوده‌اند.

هرچه دوربین با دقت بیشتر و فاصله مناسب‌تری به یک رویداد نگاه کند، امکان انتقال درست‌تر و عمیق‌تر واقعیت به نسل‌های آینده فراهم می‌شود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم اثری تولید کنیم که تا حد امکان، تصویری واقعی، جامع و چندوجهی از این مراسم ارائه دهد و این رویداد را با همه زوایا و ابعادش ثبت کند.

آیا منظورتان از این نوع مستند، به شیوه روایت آن بازمی‌گردد؟
بله، روایت ما تلاش می‌کند با فاصله از رویداد به آن نگاه کند. ممکن است در بخش‌هایی از نظر بصری از نماهای نزدیک، چهره افراد، اشیاء و جزئیات استفاده کنیم، اما زاویه روایت، نگاهی بیرونی و مشاهده‌گرانه به ماجرا دارد.

درباره مستند «باید برخاست» که در حال تهیه آن هستید توضیح دهید.

خوشبختانه در این روزها تعداد زیادی از مستندسازانی که دغدغه ثبت و روایت این اتفاق تاریخی را دارند، مشغول کار هستند. بسیاری از این افراد نه صرفاً با انگیزه‌های شغلی و حرفه‌ای، بلکه از منظر دغدغه شخصی و احساس مسئولیت فرهنگی تلاش می‌کنند تصویری از این روزگار ثبت کنند. تعداد گروه‌های تولیدکننده بسیار زیاد است؛ زمانی که بررسی کردیم، بیش از هشتاد مستند در حال تولید بود و بسیاری از مستندسازان شناخته‌شده مسئولیت این آثار را برعهده دارند.

به طور کلی می‌توان مستندهای در حال تولید را در دو دسته قرار داد. دسته نخست، آثاری هستند که بر سوژه‌هایی در حاشیه این مراسم تمرکز دارند؛ برای مثال روایت مادر شهیدی که از شهر خود راهی مراسم می‌شود و در این مسیر با اتفاقات، دشواری‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. این آثار، مراسم تشییع را در پس‌زمینه قرار می‌دهند و از طریق یک داستان انسانی و شخصی به مخاطب نزدیک می‌کنند. گاهی برای روایت یک رویداد بزرگ، بهترین راه، پرداختن به حاشیه‌های آن است؛ چراکه این حاشیه‌ها امکان ارتباط عمیق‌تر مخاطب با آن اتفاق را فراهم می‌کنند.

برای مثال، فیلم «روز واقعه» یکی از مهم‌ترین آثار عاشورایی سینمای ایران است که روایت خود را در حاشیه واقعه عاشورا پیش می‌برد، نه در متن مستقیم آن. این فیلم از طریق یک داستان عاشقانه و انسانی، مخاطب را به فضای آن روز نزدیک می‌کند. در سینمای

